



University of Tehran Press

Social Capital Management

Online ISSN: 2423-6233

Home Page: <https://jscm.ut.ac.ir/>

Sustainable Social Capital Formation through the Realization of Citizenship Rights and Social Dignity: Document Mining of the Statement on the Second Step of the Islamic Revolution

Javad Madani 

Department of Public Administration and Tourism, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. E-mail: J.madani@uma.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:

Received: September 15, 2025
Revised: October 02, 2025
Accepted: October 25, 2025
Published online: December 19, 2025

Keywords:

Social dignity,
Citizenship rights,
Social capital,
Statement of the second phase of the Islamic revolution,
Mixed-methods approach.

ABSTRACT

Objective Citizenship rights and social dignity are considered fundamental pillars of societies. With the glorious Islamic Revolution entering its second phase, various concepts outlined in the Statement of the Second Phase of the Islamic Revolution require identification and elaboration. The primary objective of the present research is to elucidate and analyze the role of the full realization of citizenship rights and the enhancement of social dignity as a foundation and essential prerequisite for the formation of sustainable social capital, within the framework of the Statement of the Second Phase of the Islamic Revolution, employing a mixed-methods approach. **Method:** This applied research adopts a mixed-method design with a concurrent transformative approach, implemented qualitatively and quantitatively. In the first phase, thematic axes were extracted from the Statement of the Second Phase of the Revolution using qualitative documentary analysis to guide semi-structured interviews. In the second phase, grounded theory was utilized to identify the indicators, components, and dimensions of this domain. Semi-structured interviews were conducted with 18 participants, adhering to the principle of theoretical saturation. The obtained statements, with the consent and coordination of experts, were coded using the systematic approach of Strauss and Corbin. **Results:** Findings revealed 179 initial statements, 82 open codes, 23 axial codes, and 4 selective codes, which were recognized as the dimensions, components, and indicators of citizenship rights and social dignity in light of the Second Step Statement of the Islamic Revolution. The results indicated that the Statement of the Second Phase of the Islamic Revolution serves as a key overarching document for the Second Phase of the Islamic Revolution, pursuing significant and impactful objectives. **Conclusions:** According to the research findings, fundamental components such as citizenship rights and social dignity are regarded as vital sources of co-created value and core competencies within society, contributing to the formation of sustainable social capital.

Cite this article: Madani, J. (2026). Sustainable Social Capital Formation through the Realization of Citizenship Rights and Social Dignity: Document Mining of the Statement on the Second Step of the Islamic Revolution. *Social Capital Management*. 12 (4), 405-418. <http://doi.org/10.22059/jscm.2025.402404.2627>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jscm.2025.402404.2627>

Publisher: University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

مدیریت سرمایه اجتماعی

شاپا الکترونیک: ۶۲۳۳-۲۴۲۳

سایت نشریه: <https://jscm.ut.ac.ir/>

شکل گیری سرمایه اجتماعی پایدار در بستر تحقق مضامین حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی (سند کاوی: بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

جواد معدنی

گروه مدیریت دولتی و گردشگری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. رایانامه: J.madani@uma.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ های مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۲۸ کلیدواژه: بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، حقوق شهروندی، روش ترکیبی، سرمایه اجتماعی، منزلت اجتماعی.	هدف: حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی از ارکان اساسی جوامع در نظر گرفته می شوند. با ورود انقلاب شکوهمند اسلامی به حیات دوم خویش، مفاهیم مختلفی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مد نظر قرار گرفته اند که نیازمند شناسایی و تبیین اند. هدف اصلی تحقیق حاضر تبیین و تحلیل نقش تحقق کامل حقوق شهروندی و ارتقای منزلت اجتماعی به عنوان بستر و پیش شرط ضروری برای شکل گیری سرمایه اجتماعی پایدار در پرتو بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است که با استفاده از روش ترکیبی صورت پذیرفته است. روش پژوهش: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نوع ترکیبی است که با رویکرد تبدیلی همزمان^۱ بصورت کیفی-کیفی انجام شده است. بدین صورت که در فاز اول، با استفاده از روش کیفی تحلیل اسنادی به بررسی و استخراج محورهای موضوعی از بیانیه گام دوم انقلاب پرداخته شد تا به عنوان محورهای جهت انجام مصاحبه های نیمه ساختاریافته استفاده شوند. سپس در فاز دوم با استفاده از نظریه داده بنیاد، شاخص ها، مولفه ها و ابعاد این حوزه شناسایی شدند. در این فاز با استفاده از ابزار مصاحبه های نیمه ساختاریافته و مطابق با قاعده اشباع نظری از ۱۸ نفر مصاحبه به عمل آمد و گزاره های بدست آمده با کسب اجازه و هماهنگی با خبرگان، از طریق رهیافت نظامند استراوس و کوربین کدگذاری شدند. یافته ها: مطابق با یافته های تحقیق، ۱۷۹ گزاره اولیه، ۸۲ کد باز، ۲۳ کد محوری، و ۴ کد انتخابی حاصل شد که به عنوان ابعاد، مولفه ها، و شاخص های حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی در زمینه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در نظر گرفته شدند. نتیجه: مطابق با نتایج تحقیق، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی سند بالادستی و کلیدی حیات دوم انقلاب اسلامی است که اهداف مؤثر و مهمی را دنبال می کند و مولفه های اساسی چون حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی به عنوان منابع حیاتی خلق مشترک ارزش و شایستگی های کلیدی در جامعه در زمینه شکل گیری سرمایه اجتماعی پایدار نظر گرفته می شود.

استناد: معدنی، جواد (۱۴۰۴). شکل گیری سرمایه اجتماعی پایدار در بستر تحقق مضامین حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی (سند کاوی: بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی). مدیریت سرمایه اجتماعی، ۱۲ (۴) ۴۰۵-۴۱۸. <http://doi.org/10.22059/jscm.2025.402404.2627>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.



DOI: <http://doi.org/10.22059/jscm.2025.402404.2627>

مقدمه

از دیرباز تا کنون، حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی مفاهیمی بوده‌اند که مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و نظریه‌پردازان قرار گرفته‌اند. این مقوله صرفاً بحث نظری و آکادمیک نیست، بلکه اکثر جوامع سعی در برقراری و ارتقای این مفاهیم مهم دارند. از همین منظر، می‌توان دریافت که این دو مفهوم نیازمند توجه ویژه‌ای هستند. منزلت اجتماعی در ارتباط با نقش و موقعیتی در نظام اجتماعی تعریف شده است که حقوق و وظایف مشخص، انتظارات یا هنجارهای مشخص، و نقش‌های ساخته‌شده توسط آن‌ها اعمال می‌شود (Parsons, 1951). در واقع، منزلت اجتماعی یک شاخص روانی در زمینه اعتماد اجتماعی شهروندان است که به مثابه سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود (عشایری و همکاران، ۱۴۰۴). حقوق شهروندی بیش از همه به حقوقی اطلاق می‌شود که هر فرد به عنوان شهروند کشور از آن برخوردار است؛ از جمله اقامتگاه مناسب، تحصیل و آموزش معقول، حق مشارکت در ساختار سیاسی و مدیریتی، محاکمه عادلانه. در واقع این قانونی است که محدودیت حقوق همه مردم را مشخص می‌کند و قانون نمی‌تواند و نباید مخالف حقوق طبیعی افراد باشد (Council of Europe, 2024). از این رو، شکوه قانون آن است که حقوق و آزادی‌های فردی و همبستگی اجتماعی را تضمین می‌کند. تحقق ایده اساسی حقوق شهروندی و همچنین فعال‌سازی شهروندان داشتن حق تعیین سرنوشت توسط مردم است که اساسی‌ترین حق در حوزه حقوق شهروندی و حقوق سیاسی و حق رأی و انتخاب شدن و ... است. حقوق شهروندی زمانی تحقق می‌یابد که همه افراد جامعه به همه حقوق مدنی و سیاسی دست یابند و شهروند به عنوان عضوی از جامعه در کنار اداره بهتر جامعه دارای مسئولیت باشد و برقراری نظم اجتماعی و به رسمیت شناختن این حقوق تعاملی نقش موثری در ارتقای حقوق شهروندی داشته باشد. پس می‌توان فهمید هر دو مفهوم حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی با یکدیگر قرابت مفهومی و محتوایی بسیار زیادی دارند. سرمایه اجتماعی، به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع نامشهود، شبکه‌ای از روابط اعتماد و هنجارها و تعاملات اجتماعی است که امکان کنش جمعی و همبستگی اجتماعی را فراهم می‌سازد. وجود سرمایه اجتماعی کارآمد زمینه‌ساز تقویت انسجام و مشارکت عمومی در جامعه است و موجب می‌شود شهروندان احساس تعلق و مسئولیت بیشتری در قبال سرنوشت جمعی خود داشته باشند. در حقیقت، پیوند میان حقوق شهروندی، منزلت اجتماعی، و سرمایه اجتماعی بنیانی برای ارتقای اعتماد متقابل و افزایش ظرفیت‌های نهادی و مدنی جامعه به شمار می‌آید. از همین منظر، تحلیل شکل‌گیری سرمایه اجتماعی پایدار در بستر تحقق مضامین حقوق شهروندی می‌تواند به ارائه مدلی مفهومی برای تحکیم مناسبات اجتماعی و توسعه همه‌جانبه منجر شود (Liu et al., 2022). از طرفی، بسیاری از اندیشمندان معتقدند که حقوق بشر ناظر بر حقوق طبیعی انسان آزاد و اجتناب‌ناپذیر و غیر قابل فسخ است و تضمین این حق برای پاسداری از آزادی اساسی انسان بسیار مهم است. اسلام نیز به عنوان دینی گسترده ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها را مورد توجه قرار داده و برای روابط اجتماعی مردم به عنوان اشرف مخلوقات رهنمودها و توصیه‌هایی صریح ارائه کرده و در مورد ارزش جان و انصاف انسان‌ها، بدون توجه به نژاد و رنگ پوست آن‌ها، اظهار نظر کرده است (جعفری و باطبی، ۲۰۱۵). با ورود شکوهمند انقلاب اسلامی به دهه پنجم حیات خویش و با عطف به منویات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران ابلاغ شد. در واقع جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب و در آستانه تحقق دولت اسلامی و تمدن نوین اسلامی نیازمند زمینه‌سازی و گسترش اندیشه تمدنی خویش است (اخوان‌نیلچی و سروش، ۱۴۰۲: ۲۴۸). در این بیانیه کلیدی، ابعاد و مؤلفه‌های مختلفی در نظر گرفته شده‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها مقوله مباحث اجتماعی اعم از مقبولیت اجتماعی، منزلت اجتماعی، و حقوق عمومی (شهروندی) است. از آنجا که این بیانیه همانند چشم‌انداز و افق راهنمای کشور و اقشار مختلف در حوزه‌های گوناگون است، نیاز است به منظور بسط و تفهیم بیشتر این مفاهیم مؤلفه‌های اساسی و کلیدی حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی در پرتو بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد. از همین رو، هدف اصلی این تحقیق شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های شکل‌گیری سرمایه اجتماعی پایدار در بستر تحقق مضامین حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی با تمرکز بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است؛ به گونه‌ای که چارچوبی مفهومی و عملیاتی برای تقویت انسجام اجتماعی، ارتقای مشارکت شهروندان، و افزایش ظرفیت‌های نهادی و مدنی ارائه دهد.

مباحث موضوع و پیشینه پژوهش

عبارت آلمانی وبر، ständische Lage، را مترجمان اقتصاد و جامعه «منزلت» ترجمه کرده‌اند (گرت و میلز،^۱ ۱۹۴۶: ۱۸۷؛ وبر،^۲ ۱۹۷۸: ۳۰۵) و در این مفهوم وبر بین مفاهیم منزلت طبقاتی و منزلت اجتماعی تفاوت قائل می‌شود. منزلت اجتماعی در ارتباط با نقش تعریف شده و موقعیتی در نظام اجتماعی است که حقوق و وظایف مشخص، انتظارات یا هنجارهای مشخص، و نقش‌های ساخته‌شده توسط آن‌ها اعمال می‌شود (مثلاً کرامپتون،^۳ ۲۰۱۲: ۳۴-۳۵؛ هکتر،^۴ ۲۰۰۴: ۴۰۴؛ مارتین،^۵ ۲۰۰۹: ۲۴۲-۲۴۳؛ فیلیپس و زاکرمن،^۶ ۲۰۰۱: ۳۸۶؛ ریچوی،^۷ ۲۰۱۴: ۲؛ اسکات،^۸ ۲۰۰۲: ۲۹-۳۰؛ واترز و واترز،^۹ ۲۰۱۵: ۳۷؛ وگنر،^{۱۰} ۱۹۹۲: ۲۵۶-۲۵۷؛ ژو، ۲۰۰۵: ۹۲-۹۳). منزلت اجتماعی فرد در حلقه معین افراد در مقایسه با منزلت اجتماعی افراد دیگر تعریف می‌شود. به طور دقیق‌تر، منزلت اجتماعی یک فرد مشخص می‌کند که او به طور کلی تا چه اندازه به علایق خود پی می‌برد و تا چه اندازه دارای امکانات و کالاهای اجتماعی است در مقایسه با میزانی که سایر افراد در حلقه افراد معین به آن‌ها پی می‌برند (براون،^{۱۱} ۲۰۰۵).

در مباحث جامعه‌شناسی، اصطلاح منزلت اجتماعی (یا اجتماعی-اقتصادی) عمدتاً برای نشان دادن سه مفهوم به کار می‌رود: منزلت اجتماعی-اقتصادی، منزلت اجتماعی بر اساس نقش، منزلت اجتماعی بر اساس موقعیت. در اصل دانکن^{۱۲} (۱۹۶۱: ۱۱۶-۱۱۷) شاخص منزلت اجتماعی-اقتصادی برای اندازه‌گیری موقعیت شغلی ایجاد شده و او محاسبه خود را بر اساس تحصیلات و درآمد متوسط گروه شغلی معین قرار داد. با این حال، این شاخص بیشتر به عنوان شاخص مستقل وضعیت شغلی در تحقیقات در مورد نابرابری‌های اجتماعی و قشربندی مورد استفاده قرار گرفته است (مثلاً گانزبوم و همکاران،^{۱۳} ۱۹۹۲؛ گانزبوم و تریمن،^{۱۴} ۱۹۹۶؛ هاووز و وارن،^{۱۵} ۱۹۹۷؛ نام و بویید،^{۱۶} ۲۰۰۴). منزلت اجتماعی در ارتباط با نقش موقعیتی در نظام اجتماعی تعریف شده است که حقوق و وظایف مشخص، انتظارات یا هنجارهای مشخص، و نقش‌های ساخته‌شده توسط آن‌ها اعمال می‌شود (پارسونز، ۱۹۵۱). مفهوم منزلت اجتماعی-اقتصادی مفهومی از لحاظ نظری نامشخص است که از دو مؤلفه آن می‌توان آموزش را عمدتاً جزء قدرت اجتماعی و موقعیت اجتماعی^{۱۷} و درآمد را عمدتاً جزء منزلت اجتماعی دانست. در مفهومی تقریباً مشابه با مفهوم موقعیت که در ارتباط با نقش تعریف شده و منزلت نامیده می‌شود، برخی اندیشمندان از اصطلاح موقعیت نهادی در نظریه کلی استفاده می‌کنند. در این مفهوم، موقعیت نهادی خود موقعیت اجتماعی نیست، بلکه موقعیت‌های نهادی-اجتماعی فرد معین تا حد زیادی موقعیت اجتماعی او را تعیین می‌کنند (فارکاس،^{۱۸} ۲۰۲۲). در واقع، در اینجا فقط به این واقعیت اشاره می‌شود که تأثیر تعیین‌کننده مورد بررسی موقعیت اجتماعی تا حدی در ارتباط با موقعیت نظم و روابط اجتماعی تحقق می‌یابد. در واقعیت، عوامل فردی و فرهنگی مستقل از موقعیت اجتماعی نیز ممکن است بر میزان تحقق علاقه و موقعیت اجتماعی تأثیر داشته باشند. اما ما فقط می‌توانیم این ارتباط را در سطح التقاطی نظریه در یک فرایند اجتماعی معین در نظر بگیریم.

در پژوهش حاضر، به طور کوتاه به این واقعیت اشاره می‌شود که می‌توان بین مفهوم تعاملی (قدرت بر) و بازتابی (قدرت به) از قدرت اجتماعی تمایز قائل شد. بر اساس مفهوم تعاملی قدرت اجتماعی، قدرت اجتماعی عبارت است از تأثیر یا تأثیر سوژه بر

1. Gerth & Mills
2. Weber
3. Crompton
4. Hechter
5. Martin
6. Phillips & Zuckerman
7. Ridgeway
8. Scott
9. Waters & Waters
10. Wegener
11. Browne
12. Duncan
13. Ganzeboom et al
14. Ganzeboom & Treiman
15. Hauser & Warren
16. Nam & Boyd
17. social position
18. Farkas

طرف مقابل یا توانایی سوژه برای تأثیرگذاری یا تأثیرگذاری بر فرد یا گروه دیگر به عنوان یک شی (مثلاً فرگوسن^۱، ۲۰۱۳: ۶۶؛ منگه^۲، ۲۰۱۸: ۲۳؛ مولم^۳، ۱۹۹۷: ۲۹؛ اسکات^۴، ۲۰۰۸: ۲۹). بر اساس مفهوم بازتابی قدرت اجتماعی، قدرت اجتماعی عبارت است از تحقق علایق یا اهداف سوژه تا حد معینی یا توانایی تحقق علایق یا اهداف سوژه (مثلاً هابرماس^۵، ۱۹۹۶: ۱۷۵؛ مان^۶، ۱۹۸۶: ۶؛ پولانتزاس^۷، ۱۹۷۶: ۱۰۴؛ رایت^۸، ۲۰۰۰: ۹۶۲). به باور برخی نویسندگان، این دو مفهوم به معنای واقعی یکسان هستند، اما در رویکردهای متفاوت، یکی از مفاهیم بر «تأثیر» تأکید دارد درحالی که دیگری بر نتیجه. مثلاً، بر اساس دیدگاه پانساردی^۹ (۲۰۱۲: ۸۱ - ۸۲) اگرچه این دو مفهوم در یک رابطه هم‌ارزی منطقی کامل قرار ندارند، دارای درجه تطابق بسیار بالایی هستند. در مفهومی که برخی اندیشمندان به آن اشاره کرده‌اند، قدرت اجتماعی به معنای تعامل است. در این زمینه، دو مفهوم مورد بحث دلالت بر یک موجودیت واقعی ندارند و ممکن است تطابق بین آن‌ها بسیار متفاوت باشد. بنابراین، برخی اندیشمندان توانایی مشخص‌شده با مفهوم قدرت بازتابی (قدرت به) را قدرت اجتماعی نمی‌نامند، بلکه می‌توانند آن را، با استفاده از اصطلاح هتی^{۱۰} و ماکو (۱۹۷۸: ۱۶۱)، توانایی علاقه‌مندی بنامند. بر این اساس، توانایی تحقق منافع توانایی تحقق بخشی از منافع است. بنابراین منزلت اجتماعی با تعیین توانایی تحقق علاقه فرد یا گروه معین میزان تحقق علاقه و موقعیت اجتماعی را تعیین می‌کند. برای حقوق شهروندی تعاریف مختلفی ارائه شده است. یکی از آن‌ها حقوق شهروندی را چنین تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از آزادی‌هایی که افراد جامعه از آن برخوردار می‌شوند که در اصطلاح به آن حقوق و آزادی‌های فردی، حقوق عمومی، حقوق شهروندی، حقوق بشر، و حقوق شهروندی گفته می‌شود. شهر نه تنها جامعه ساکنان یک منطقه معین است، بلکه مفهوم واحد سیاسی مستقل را ارائه می‌دهد و به همین دلیل شهروند را فقط ساکن یک شهر نمی‌نامند؛ این واژه با معنایی فراتر همراه است. اگرچه شهروند ساکن شهر است، اما در ساماندهی شهر و تهیه و تنظیم مقررات زندگی اجتماعی در شهر و ایجاد قانون در شهر و کشور مشارکت دارد (جعفری و باطبی، ۲۰۱۵). حقوق شهروندی و حق شهروندی به این موضوع می‌پردازد که چگونه جوامع مدرن اروپایی قرن بیست و یکمی می‌توانند شکاف بین جهانی بودن حقوق بشر، که بدون تمایز برای همه اعمال می‌شود، و محیط سیاسی و اجتماعی، که در آن مردم در یک محیط دموکراسی محور مشارکت می‌کنند، را پر کنند (هیرش بالین^{۱۱}، ۲۰۱۴).

در سال‌های اخیر، مفهوم سرمایه اجتماعی نیز به عنوان پیونددهنده منزلت اجتماعی و حقوق شهروندی مورد توجه گسترده قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی متشکل از شبکه‌ها، اعتماد متقابل، و هنجارهای مشارکتی است که ظرفیت‌های نهادی و مدنی جامعه را برای کنش جمعی و تحقق منافع مشترک تقویت می‌کند. پژوهش‌های تجربی جدید نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی نه تنها با سلامت و رفاه جمعی پیوند دارد، بلکه اثر قابل توجهی در تقویت انسجام اجتماعی، مشارکت سیاسی، و کاهش آسیب‌پذیری‌های اجتماعی در بحران‌ها دارد (پلوسو^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۴). همچنین مطالعات تطبیقی ساختاری بیان کرده‌اند که توزیع سرمایه اجتماعی تابعی از موقعیت‌های طبقاتی و منزلتی است و به طور مستقیم بر توانایی شهروندان برای دستیابی به حقوق خود تأثیر می‌گذارد (آلکو^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین، سرمایه اجتماعی را می‌توان عنصر واسطی دانست که منزلت اجتماعی و حقوق شهروندی را به هم متصل می‌سازد و بستر مناسبی برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی پایدار و کارآمد در جامعه فراهم می‌کند.

1. Ferguson
2. Menge
3. Molm
4. Scott
5. Habermas
6. Mann
7. Poulantzas
8. Wright
9. Pansardi
10. Héthy
11. Ernst Hirsch Ballin
12. Peluso
13. Alecu

اما اینکه ارتباط حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی در چه نقاطی است بحثی است که جزء اصلی ترین اهداف این تحقیق به شمار می رود. در واقع، با مرور منابع مختلف محققان متوجه شدند که مبانی نظری در پیوند این دو مفهوم دارای خلأ نظری است و از همین رو به دنبال برطرف کردن این خلأ نیز هستند. در ادامه، به قسمتی از این موارد اشاره می شود. مشارکت در زندگی سیاسی و فرهنگی یکی از حقوق اساسی بشر است که در تعدادی از معاهدات بین المللی حقوق شهروندی به رسمیت شناخته شده است و با اعلامیه جهانی حقوق شهروندی شروع می شود که حق مشارکت در دولت و انتخابات آزاد و حق شرکت در حیات فرهنگی جامعه و حق تجمع و تشکل مسالمت آمیز و حق عضویت در اتحادیه های کارگری و... را شامل می شود. مشارکت همچنین یک اصل اساسی حقوق بشر است و شرط شهروندی دموکراسی محور مؤثر برای همه مردم است. بدون طیف کامل حقوق شهروندی، دسترسی به مشارکت دشوار می شود. بهداشت ضعیف، سطوح پایین آموزش، محدودیت های آزادی بیان، فقر، و غیره همگی بر توانایی ما برای مشارکت در فرایندها و ساختارهایی تأثیر می گذارند که بر ما و حقوق ما مؤثرند. به همین ترتیب، بدون مشارکت، دسترسی به بسیاری از حقوق شهروندی دشوار است. مشارکت راهی است که از طریق آن می توان جامعه ای مبتنی بر حقوق شهروندی ساخت، انسجام اجتماعی را توسعه داد، و اقشار مختلف درخواست و ایده خود را برای تأثیرگذاری بر تصمیم گیرندگان به سمع و نظر آن ها برسانند (استراسبورگ^۱، ۱۹۹۷).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نوع ترکیبی است که با رویکرد تبدیلی هم زمان^۲ انجام شده است. در رویکرد تبدیلی هم زمان یک چارچوب نظری مشخص به کار گرفته می شود، اما داده های کمی و کیفی به صورت هم زمان جمع آوری و تحلیل می شوند. در این روش، اولویت ممکن است به صورت برابر یا نابرابر بین داده های کمی و کیفی توزیع شود (کرول و نری^۳، ۲۰۰۹). به عبارت کلی تر، رویکرد اصلی کیفی- کیفی است که در فاز اول، با استفاده از روش کیفی تحلیل اسنادی، به بررسی و استخراج محورهای موضوعی از بیانیه گام دوم انقلاب می پردازد تا به عنوان محورهای جهت انجام مصاحبه های نیمه ساختاریافته استفاده شوند. سپس در فاز دوم با استفاده از نظریه داده بنیاد، شاخص ها، مولفه ها و ابعاد این حوزه شناسایی می شوند. در گام نخست این پژوهش، با به کارگیری روش های تحلیل اسنادی و مرور سیستماتیک، بیانیه گام دوم انقلاب واکاوی می شود تا مباحث محوری و مؤلفه های لازم برای طراحی پرسش های مصاحبه در فاز دوم شناسایی و استخراج شوند. در فاز دوم پژوهش، با استفاده از روش نمونه گیری قضاوتی (هدفمند)، ۱۸ نفر از خبرگان و متخصصان حوزه های مرتبط انتخاب شدند. گزینش خبرگان با در نظر گرفتن معیارهایی مانند سابقه فعالیت تخصصی و علمی (حداقل ۱۰ سال) و داشتن سمت های کلیدی در حوزه اجرا یا تدریس در دانشگاه صورت پذیرفت. ویژگی های جمعیت شناختی و تخصصی جامعه خبرگان به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱. ویژگی های جمعیت شناختی

مشخصه	دسته بندی	تعداد	درصد	مشخصه	دسته بندی	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۱۰	۵۵.۶٪	رشته تخصصی	مدیریت دولتی	۴	۲۲.۲٪
	زن	۸	۴۴.۴٪		مدیریت منابع انسانی	۴	۲۲.۲٪
مدرک تحصیلی	دکتری	۱۵	۸۳.۳٪		حقوق	۳	۱۶.۷٪
	کارشناسی ارشد	۳	۱۶.۷٪		جامعه شناسی	۳	۱۶.۷٪
دامنه سابقه کار	۱۵-۱۰ سال	۵	۲۷.۸٪		مدیریت فرهنگی	۲	۱۱.۱٪
	۲۰-۱۶ سال	۸	۴۴.۴٪		علوم اجتماعی	۲	۱۱.۱٪
	بیش از ۲۰ سال	۵	۲۷.۸٪				

1. Strasbourg

2. concurrent transformative strategy

3. Kroll & Neri

داده‌های مورد نیاز با ۱۸ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری شد. روند مصاحبه‌ها تا رسیدن به نقطه اشباع نظری ادامه یافت. در نهایت، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان و با بهره‌گیری از رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین تحلیل و کدگذاری شد.

تحلیل اسنادی یک روش سیستماتیک برای بررسی یا ارزیابی اسناد، اعم از موارد چاپی و الکترونیکی، است. مانند سایر روش‌های تحلیلی در تحقیقات کیفی، تجزیه و تحلیل اسناد مستلزم آن است که داده‌ها به منظور استخراج معنا، به دست آوردن درک، و توسعه دانش تجربی بررسی و تفسیر شوند (بوون^۱، ۲۰۰۹). روش نظریه داده‌بنیاد یکی از روش‌های کیفی است که با استفاده از داده‌ها و اطلاعات موجود گزارش‌های کیفی را منتشر می‌کند که می‌توانند داده‌های عالی برای انتزاع مفهومی و ظهور احتمالی یک نظریه داده‌بنیاد را ارائه دهد (فریک و پیزی^۲، ۲۰۲۴). جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها در نظریه داده‌بنیاد به محقق مسیری نظام‌مند و در عین حال انعطاف‌پذیر به سوی ساخت نظریه‌ای که بر داده‌ها مبتنی است می‌دهد (چارمز^۳، ۲۰۱۴). در این تحقیق، از رویکرد نظام‌مند استراوس و کوربین استفاده شده است که گزاره‌های خام در سه دسته کدهای انتخابی، محوری، و باز دسته‌بندی و تبیین شده‌اند. همچنین، گفتنی است به منظور مصاحبه با هر یک از خبرگان محورهای موضوعی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی استخراج و بررسی شده‌اند. به منظور اطمینان از اعتبار و پایایی فرایند کدگذاری ضریب توافق بین کدگذاران محاسبه شد. بدین منظور، پس از آموزش اولیه و تعریف مفاهیم پایه، متن سه مصاحبه به صورت تصادفی انتخاب و به طور مستقل توسط دو کدگذار (محقق و یک متخصص آشنا با روش نظریه داده‌بنیاد) کدگذاری شد. سپس، با استفاده از فرمول ضریب کاپای کوهن، میزان توافق بین آن‌ها اندازه‌گیری شد. مقدار به دست آمده برای ضریب کاپا ۰/۸۵ بود که نشان‌دهنده سطح توافق «عالی» بین کدگذاران است (لندیس و کخ^۴، ۱۹۷۷). این میزان توافق بالا قابلیت اعتماد و عینیت فرایند کدگذاری را تأیید می‌کند. در نهایت، کدگذاری نهایی همه مصاحبه‌ها توسط محقق انجام پذیرفت.

جدول ۲. ضریب توافق بین کدگذاران

نمونه	تعداد کدهای توافق شده	تعداد کدهای اختلاف نظر	ضریب توافق اولیه	ضریب توافق
مصاحبه ۱	۴۲	۸	۰/۸۴	۰/۸۳
مصاحبه ۷	۳۸	۵	۰/۸۸	۰/۸۷
مصاحبه ۱۵	۴۵	۶	۰/۸۸	۰/۸۶
میانگین کل	۴۱/۷	۶/۳	۰/۸۷	۰/۸۵

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در قسمت قبلی توضیح داده شد، در فاز اول با استفاده از روش تحلیل اسنادی محورهای موضوعی استخراج می‌شوند. با مرور بذبند بیانیه گام دوم انقلاب، مواردی چون «گسترش خدمات اجتماعی، مقبولیت اجتماعی، آزادی اجتماعی، حقوق عمومی، معنویت و اخلاق، به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت‌رسانی، سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور، افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه به عنوان محورهای موضوعی جهت انجام دادن مصاحبه‌های نظریه داده‌بنیاد استفاده شدند. سپس در فاز دوم فرایند مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته از خبرگان شروع شد. به منظور رعایت اخلاقیات و امانت ادبی، همه مراحل و فرایندهای مربوطه با هماهنگی و کسب اجازه از خبرگان صورت پذیرفت. ابتدا ضبط صوتی را که هر مصاحبه را ثبت کرده بود، جهت مکتوب کردن مصاحبه‌ها و صحبت‌ها، آماده کردیم. سپس فرایند رونویسی کلمه به کلمه همه مصاحبه‌ها آغاز شد به این صورت که ابتدا گزاره‌های خام سطر به سطر مکتوب شدند و سپس فرایند کدگذاری باز آغاز شد. سپس با عطف به یک رویکرد استقرایی (حرکت از جزء به کل)، کدهای محوری استخراج شدند. مفاهیم و کدهایی که دارای قرابت موضوعی و محتوایی بودند در دسته کدهای انتخابی جای‌گذاری شدند. گفتنی است به منظور رعایت کیفیت و دقت کدهای مستخرج جریان رفت و برگشتی کدها در

1. Bowen
2. Frick & Pazey
3. Charmaz
4. Landis & Koch

دو مرحله تکرار شد تا کد یا مفهومی از قلم نیفتاده باشد. خبرگان نیز با دقت فراوان تجربیات و دانسته‌های خود را اعلام کردند و سعی شد فرایند کدگذاری به صورت انعطاف‌پذیر صورت پذیرد. این مقوله موجب می‌شود هم دقت و کیفیت بالا رود هم درک جامع‌تری از کدها به دست آید. در جدول ۳ نمونه‌ای از فرایند کدگذاری آمده است.

جدول ۳. نمونه‌ای از فرایند کدگذاری

نشانگر کد	گویه	گزاره اولیه
PC1	حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی دو مفهوم کلیدی و اساسی در جامعه‌پذیری اقشار مختلف‌اند.	جامعه‌پذیری
PC2	این دو مفهوم می‌توانند در نقش‌پذیری فردی و اجتماعی مفید باشند و برای توسعه و تعالی جامعه نقش‌هایی کلیدی ایفا کنند.	نقش‌پذیری فردی و اجتماعی
PC3	در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به چند مورد از حوزه‌های اجتماعی و حقوقی اشاره شده است که بن‌مایه اکثر آن‌ها در حوزه تعامل سازنده است.	تعامل سازنده
PC4	بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به مثابه یک سند بالادستی و حکم لازم‌الاجرا در زمینه رشد و تعالی جامعه است.	رشد و تعالی جامعه
PC5	حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی می‌توانند در ارتقای شأن و شخصیت فردی و اجتماعی همه اقشار مؤثر باشند و زمینه را برای تعالی جامعه فراهم سازند.	ارتقای شأن و شخصیت فردی و اجتماعی
PC6	بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بستری جامع و کامل در زمینه ارتقای حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی است و باید هر دستگاه و نهاد مؤثر در این زمینه اقدامات لازم را صورت دهند.	جامعیت بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
PC7	منزلت اجتماعی ماهیت ارزشی و معنوی بالایی دارد که بر پایه معیارهای ارزش اجتماعی معتبر در جامعه نهاده شده است و می‌تواند فضای اجتماعی را نیز تغییر دهد. به همین دلیل در گام دوم انقلاب اسلامی توجه به آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.	ماهیت ارزشی و معنوی بالای منزلت اجتماعی
PC8	حقوق شهروندی نیز دیگر فاکتور مهم در این زمینه است و به جرئت می‌توان ادعا کرد که جامعه بدون توجه به حقوق شهروندی یک جامعه عقب‌مانده و مبتدی است.	اهمیت و جایگاه حقوق شهروندی
PC9	حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی رابطه تلازمی دارند و درنظرگیری این دو عامل در بیانیه گام دوم انقلاب ذکاوت و هوشمندی بالایی را نشان می‌دهد.	رابطه تلازمی حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی
PC10	دستیابی به ارتقای حقوق شهروندی و ارتقای منزلت اجتماعی همه اقشار، نیازمند مشارکت جدی و هدفمند عوامل حکمرانی (از طریق عوامل و ابزار آن)، ارتباطات فردی و اجتماعی، مفاهیم و گفت‌وگوی بین‌اشاری	رابطه و تعامل عوامل چندگانه
و.....	و.....	و.....

در ادامه، در جدول ۴ کدهای باز و محوری و انتخابی مطرح شده‌اند. پس از طی رویکرد استقرایی، ۱۷۹ گزاره اولیه، ۸۲ کد باز، ۲۳ کد محوری، و ۴ کد انتخابی حاصل شدند که به عنوان ابعاد، مؤلفه‌ها، و شاخص‌های شکل‌گیری سرمایه اجتماعی پایدار در بستر حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در نظر گرفته می‌شوند. گفتنی است این فرایند استقرایی با عطف به قرابت مفهومی و محتوایی کدها صورت پذیرفته است و هر یک از موارد خاصیت انعکاسی و مفاهیم و مؤلفه‌ها را دارند.

جدول ۴. کدهای باز و محوری و انتخابی

کدهای باز	کدهای محوری	کدهای انتخابی
جامعه‌پذیری، موقعیت اجتماعی، نقش‌پذیری فردی و اجتماعی، ... و تعامل سازنده، شأن، حیثیت و اعتبار، رشد و تعالی جامعه (PC1, ... PC22)	ارتباطات اجتماعی، مشارکت فردی و اجتماعی، توانمندسازی فردی و اجتماعی، گفت‌وگو مشترک با جامعه، تعالی شخصیت اقشار، تعالی اخلاق فردی و اجتماعی	تعالی شأن و شخصیت فردی و اجتماعی
موقعیت و وضعیت اقتصادی، اجتماعی و... ظرفیت جامعه، معیشت عامه، ... و توجه به شهروندان، وضعیت امنیت (PC23, ... PC49)	رفاه فردی و اجتماعی، احساس رضایت پایدار، پیشرفت‌های فرهنگی-اجتماعی، احترام فردی و اجتماعی، امنیت فردی و اجتماعی	تعاون و هم‌افزایی فردی و اجتماعی
ارزش‌گذاری، جایگاه زنان در جامعه، پایگاه اجتماعی، تعامل با مردم، ارائه خدمات، ... و جلب اعتماد فردی و اجتماعی (PC51, ... PC64)	اعتماد عمومی، روحیه جمعی، عدالت و برابری، ظرفیت‌های توان‌بخشی، کیفیت خدمات‌رسانی، حمایت از فقرا و مستضعفان، مدیریت جهادی و حمایت همه‌جانبه	خدمات فرهنگی-اجتماعی شهروندمحور
الگوهای رفتاری، عوامل ذهنی و شناختی، رفتارهای اجتماعی یا فرهنگی، ... و منویات دینی، مباحث اخلاقی و ارزشی (PC65, ... PC82)	انسجام اخلاقی و تعادل افکاری، ارزش‌ها و تمایلات اخلاقی، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، هویت دینی و اخلاقی، سلامت اخلاقی و انسانی جامعه	انسجام درونی و بیرونی ارزش‌های دینی و اخلاقی

همان‌طور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، کدهای مستخرج دارای قرابت مفهومی و محتوایی‌اند که اتقان و دقت بالای روش تحقیق در تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات را نشان می‌دهند. کدهای انتخابی نه تنها بیانگر مؤلفه‌های حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی در پرتو بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی هستند، بلکه نشان می‌دهند چگونه می‌توان از آن‌ها به عنوان بنیان‌های تقویت سرمایه اجتماعی پایدار بهره برد. در ادامه، هر یک از کدهای انتخابی یا ابعاد استخراج شده توضیح داده می‌شوند و رابطه آن‌ها با سرمایه اجتماعی پایدار تشریح می‌شود.

«تعالی شأن و شخصیت فردی و اجتماعی» یکی از مؤلفه‌های اصلی در زمینه حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی در پرتو بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است. این مؤلفه همان بن‌مایه کرامت فردی و اجتماعی است که هم در فرد هم در جامعه تداعی می‌شود. کرامت به چیزی ذاتی اما غیر قابل مشاهده در مورد انسان اشاره می‌کند که تضمین می‌کند با آن‌ها با احترام رفتار شود. در بستر سرمایه اجتماعی پایدار، این مؤلفه به منزله زیرساختی برای ارتقای منزلت انسانی عمل می‌کند. زیرا هنگامی که جامعه بر اساس کرامت و احترام متقابل سازمان می‌یابد پیوندهای اعتماد، همبستگی، و همکاری میان شهروندان تقویت می‌شود. این امر تضمین می‌کند که حقوق شهروندی در سطوح فردی و اجتماعی به رسمیت شناخته شود و مسیر رشد اخلاقی و فرهنگی جامعه هموار شود.

مؤلفه بعدی در زمینه «تعاون و هم‌افزایی فردی و اجتماعی» است. تعاون و هم‌افزایی فردی و اجتماعی یکی از ارکان اساسی در تقویت روابط انسانی و شکل‌گیری همکاری‌های پایدار است. این مؤلفه به مثابه نوعی همکاری عمل می‌کند که با ایجاد هم‌افزایی میان فرد و جامعه روابط ارزشی و مؤثری را به وجود می‌آورد و زمینه‌ساز مشارکت فعال، تعامل سازنده، و ارتقای حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی افراد می‌شود. این مؤلفه نقشی بنیادین در بازتولید سرمایه اجتماعی پایدار دارد و با تقویت روحیه همکاری و گسترش شبکه‌های اعتماد همگرایی اجتماعی را تحکیم می‌بخشد. افزون بر این، زمانی که افراد به صورت آگاهانه در فرایندهای جمعی مشارکت می‌کنند، احساس تعلق اجتماعی افزایش و تاب‌آوری جامعه در برابر بحران‌ها ارتقا می‌یابد؛ موضوعی که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز مورد تأکید ویژه قرار گرفته است.

مؤلفه بعدی «خدمات فرهنگی- اجتماعی شهروندمحور» است. این مؤلفه بر اهمیت دسترسی عادلانه و کیفی شهروندان به خدمات عمومی همچون آموزش، بهداشت، و حمایت اجتماعی تأکید دارد. این خدمات نه تنها ابزار تحقق عدالت اجتماعی هستند بلکه با تمرکز بر نیازهای واقعی شهروندان موجب ارتقای اعتماد عمومی و افزایش رضایت پایدار می‌شوند. هنگامی که شهروندان در مرکز فرایند تصمیم‌گیری قرار گیرند و خدمات بر اساس عدالت، شفافیت، و پاسخگویی ارائه شود بنیان‌های سرمایه اجتماعی پایدار تقویت خواهد شد. این بعد همچنین بر ضرورت ارتقای کیفیت خدمات و بهبود فرایندها برای افزایش بهره‌وری اجتماعی دلالت دارد.

مؤلفه چهارم «انسجام درونی و بیرونی ارزش‌های دینی و اخلاقی» است. پرواضح است که حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی در پرتو بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیازمند بستری اساسی و استوار است. این مؤلفه نشان‌دهنده اهمیت ارزش‌های اخلاقی و دینی به عنوان زیربنای سرمایه اجتماعی پایدار است. انسجام ارزشی و اخلاقی نه تنها موجب تقویت هویت جمعی و احساس تعلق اجتماعی می‌شود، بلکه اعتماد و همکاری متقابل را نیز در جامعه تثبیت می‌کند. با درونی‌سازی ارزش‌های دینی و اخلاقی و تجلی آن در کنش‌های فردی و جمعی سرمایه اجتماعی از سطح روابط شخصی فراتر می‌رود و به یک چارچوب فرهنگی- نهادی تبدیل می‌شود. این فرایند بستر لازم برای حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی را فراهم می‌آورد که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به عنوان چشم‌اندازی کلان مورد تأکید قرار گرفته است.

به طور کلی، نتایج تحقیق نشان می‌دهد هر یک از این ابعاد چهارگانه، با وجود استقلال نسبی، در ارتباط متقابل با یکدیگر عمل می‌کنند و در مجموع ساختاری منسجم برای شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی پایدار فراهم می‌آورند. این سرمایه اجتماعی پایدار نه تنها عامل ارتقای منزلت فردی و اجتماعی شهروندان است، بلکه به مثابه یک منبع راهبردی مسیر توسعه اجتماعی و فرهنگی و نهادی را به منظور اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی هموار می‌سازد.

بحث

همان‌طور که گفته شد، هدف اصلی تحقیق حاضر شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های شکل‌گیری سرمایه اجتماعی پایدار در بستر تحقق مضامین حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی با تمرکز بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است که با استفاده از روش ترکیبی شناسایی و تحلیل شدند. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی سند بالادستی و کلیدی حیات دوم انقلاب اسلامی است که اهداف مؤثر و مهمی را دنبال می‌کند. به همین سبب، دو مفهوم بسیار مهم و کلیدی حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی مؤلفه‌هایی کلیدی هستند که در این زمینه ایفای نقش می‌کنند. با عطف به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و مصاحبه با خبرگان امر، ۸۲ کد باز، ۲۳ کد محوری، و ۴ کد انتخابی شناسایی شدند که شاخص، مؤلفه، و ابعاد اصلی سرمایه اجتماعی پایدارند. همان‌طور که در کدهای مستخرج شناسایی شدند، مضامینی چون «تعالی شأن و شخصیت فردی و اجتماعی، تعاون و هم‌افزایی فردی و اجتماعی، خدمات فرهنگی-اجتماعی شهروندمحور، انسجام درونی و بیرونی ارزش‌های دینی و اخلاقی» مؤلفه‌های اساسی حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی در پرتو بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در نظر گرفته شدند. هر یک از این مؤلفه‌ها، نه تنها به عنوان شاخص‌های تحقق حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی عمل می‌کنند، بلکه بسترهای لازم برای تقویت سرمایه اجتماعی پایدار را نیز فراهم می‌آورند.

نتیجه

مطابق یافته‌های تحقیق، تعالی شأن و شخصیت فردی و اجتماعی یکی از ابعاد کلیدی حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی است که بنیان کرامت انسانی را شکل می‌دهد و نقش مهمی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی پایدار ایفا می‌کند. کرامت انسانی نه تنها ارزش ذاتی افراد را نمایان می‌سازد، بلکه به عنوان بستری برای ارتقای اعتماد متقابل، احترام اجتماعی، و مشارکت فعال شهروندان عمل می‌کند و زمینه‌های لازم برای ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی را فراهم می‌آورد. توجه به تعالی شأن و شخصیت فردی و اجتماعی در سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات اجتماعی به طور مستقیم به تقویت شبکه‌های اعتماد، توسعه مشارکت اجتماعی، و بازتولید سرمایه اجتماعی پایدار کمک می‌کند. تعاون و هم‌افزایی فردی و اجتماعی بعد دیگری از یافته‌هاست که به طور مستقیم با شکل‌گیری سرمایه اجتماعی پایدار مرتبط است. این مؤلفه با تقویت همکاری، مشارکت جمعی، و روابط سازنده میان شهروندان ظرفیت‌های نهادی و مدنی را ارتقا می‌دهد و موجب تصمیم‌گیری‌های جمعی کارآمدتر و شکل‌گیری منابع حیاتی برای توسعه اجتماعی می‌شود. هم‌افزایی فردی و اجتماعی، ضمن ایجاد ثبات و پایداری در تعاملات اجتماعی، به عنوان موتور تولید ارزش مشترک و تقویت شایستگی‌های کلیدی فردی و اجتماعی عمل می‌کند و پایه‌های اساسی سرمایه اجتماعی پایدار را شکل می‌دهد. خدمات فرهنگی-اجتماعی شهروندمحور بُعد سوم یافته‌هاست که با ایجاد دسترسی عادلانه و پاسخگو به خدمات عمومی موجب افزایش اعتماد و رضایت و مشارکت شهروندان می‌شود. این مؤلفه نه تنها تضمین‌کننده تحقق عدالت و برابری در ارائه خدمات است، بلکه با تقویت مشارکت فعال شهروندان به ارتقای سرمایه اجتماعی پایدار کمک می‌کند. ارائه خدمات با کیفیت بالا و با رویکردی مبتنی بر نیازهای واقعی شهروندان شبکه‌های اعتماد، همبستگی، و مشارکت جمعی را مستحکم می‌سازد و ظرفیت جامعه برای مواجهه با چالش‌ها و توسعه نهادی را افزایش می‌دهد. انسجام درونی و بیرونی ارزش‌های دینی و اخلاقی بُعد چهارم یافته‌هاست که نقش بنیادین در پایداری سرمایه اجتماعی ایفا می‌کند. این انسجام، به عنوان چارچوبی فراگیر، رفتارهای اخلاقی و ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای دینی را نهادینه می‌کند و به شکل‌گیری اعتماد اجتماعی و همبستگی جمعی و تعهد شهروندان به قواعد اخلاقی و اجتماعی منجر می‌شود. ارتباط چندسویه میان ارزش‌های اخلاقی و دینی موجب تثبیت رفتارهای نوع‌دوستانه، احترام به هنجارها، و ارتقای سلامت اجتماعی می‌شود و در نهایت به تقویت انسجام جامعه و بازتولید پایدار سرمایه اجتماعی می‌انجامد.

در مجموع، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد چهار مؤلفه شناسایی‌شده- یعنی تعالی شأن و شخصیت فردی و اجتماعی، تعاون و هم‌افزایی فردی و اجتماعی، خدمات فرهنگی-اجتماعی شهروندمحور، انسجام درونی و بیرونی ارزش‌های دینی و اخلاقی- در تعامل با یک‌دیگر چارچوبی مفهومی و عملیاتی برای تقویت سرمایه اجتماعی پایدار ایجاد می‌کنند. این چارچوب به ارتقای

انسجام اجتماعی، افزایش مشارکت شهروندان، و تقویت ظرفیت‌های نهادی و مدنی کمک می‌کند و تحقق حقوق شهروندی و منزلت اجتماعی را در پرتو بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ممکن می‌سازد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان این مقاله متعهد به رعایت اصول اخلاق پژوهشی بوده و از هر گونه جعل داده، تحریف نتایج، سرقت علمی، و رفتارهای نادرست علمی اجتناب کرده‌اند.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان به طور یکسان در مفهوم‌سازی مقاله و نگارش پیش‌نویس اولیه و نسخه‌های بعدی مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

سپاسگزاری

مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی به شماره قرارداد ۱۴۰۴/د/۹/۶۶۱۵ است که با حمایت مالی و پژوهشی دانشگاه محقق اردبیلی (معاونت پژوهش و فناوری) صورت پذیرفته است. بنابراین از مساعدت و همکاری همه دست‌اندرکاران آن معاونت تقدیر و تشکر می‌شود.

منابع

- آخوان‌نیلچی، نفیسه و سروش، علی (۱۴۰۲). راهبردهای دیپلماسی عمومی گسترش اندیشه تمدنی انقلاب اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی. *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، ۶(۲)، ۲۴۷-۲۸۴. <https://doi.org/10.22070/nic.2022.14925.1115>
- عشایری، طاها؛ اشتری مهرجردی، اباذر؛ ذوالفقاری، اکبر و عباسی، الهام (۱۴۰۴). مطالعه اعتماد اجتماعی ایرانیان به مثابه سرمایه اجتماعی: فراتحلیل پژوهش‌ها. *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۱۲(۱)، ۵۹-۷۶. <https://doi.org/10.22059/jscm.2023.353902.2382>
- Akhavan-Nilchi, N. & Soroush, A. (2023). Public Diplomacy Strategies for the Development of the Civilization Thought of the Islamic Revolution in the Second Step of the Islamic Revolution. *Scientific Journal of New Islamic Civilization Fundamental Studies*, 6(2), 247-284. (in Persian) <https://doi.org/10.22070/nic.2022.14925.1115>.
- Alecú, A., Helland, H., Hjellbrekke, J., & Jarness, V. (2022). Who you know: The classed structure of social capital. *The British Journal of Sociology*, 73(3), 505-535. <https://doi.org/10.1111/1468-4446.12945>.
- Ashayeri, T., Ashtari Mehrjardi, A., Zulfagari, A., & Abbasi, E. (2025). Studying social trust of Iranians as social capital: meta-analysis of researches. *Social Capital Management*, 12(1), 59-76. (in Persian) <https://doi.org/10.22059/jscm.2023.353902.2382>.
- Bowen, G. A. (2009). Document analysis as a qualitative research method. *Qualitative research journal*, 9(2), 27-40. <https://doi.org/10.3316/QRJ0902027>.
- Browne, K. (2005). *An introduction to sociology*. Polity. <https://www.politybooks.com/introsoc/>.
- Charmaz, K. (2014). Constructing grounded theory (introducing qualitative methods series). *Constr. grounded theory*. <https://www.torrossa.com/en/resources/an/5019293>.
- Council of Europe (2024). *Citizenship and Participation*. <https://www.coe.int/en/web/compass/citizenship-and-participation>.
- Crompton, R. (2008). *Class and stratification*. Polity. https://books.google.com/books?id=PZzNLxQozMEC&lpg=PR4&ots=_UzOswgzrD&dq.
- Duncan, O. D. (1961). A socioeconomic index for all occupations. *Occupations and social status*. <https://cir.nii.ac.jp/crid/1570291225254986112>.
- Farkas, Z. (2017a). Outline of Social Theory. *The Main Features of the Theory of Institutional Sociology. Parts Two and Three*. <https://www.researchgate.net/publication/315625432>.
- (2017b). Outline of social theory. The main features of the theory of institutional sociology. *Parts two and three*. Bibor Kiadó. <https://www.researchgate.net/publication/315625383>.
- (2019). The concept and coverage of institution. *Rationality and Society*, 31(1), 70-97. <https://doi.org/10.1177/1043463118821654>.
- (2021a). Social positions and social statuses on a shop floor: An empirical illustration of the theoretical conception. *Belvedere Meridionale*, 33(3): 5-38. <https://doi.org/10.14232/belv.2021.3.1>.
- (2021b). Concept and types of order position: Privilege and discrimination in an institutional conception. *Journal for the Theory of Social Behaviour*, 51(3), 327-349. <https://doi.org/10.1111/jtsb.12272>.
- Ferguson, W. D. (2013). *Collective action and exchange: A game-theoretic approach to contemporary political economy*. Stanford University Press.
- Frick, W. C. & Pazey, B. L. (2024). Approaching a substantive theory of moral reckoning in special education leadership: Innovative grounded theory methods using extant data on principals. *International Journal of Educational Research Open*, 7, 100398. [https://books.google.com/books?id=egHMEd8Fd1AC&lpg=PR9&ots=1iEzpl7lB&dq=-%09Ferguson%2C%20W.%20D.%20\(2013\).%20Collective%20action%20and%20exchange%3A%20A%20game-](https://books.google.com/books?id=egHMEd8Fd1AC&lpg=PR9&ots=1iEzpl7lB&dq=-%09Ferguson%2C%20W.%20D.%20(2013).%20Collective%20action%20and%20exchange%3A%20A%20game-)
- Ganzeboom, H. B. G. & Treiman, D. J. (1996). Internationally comparable measures of occupational status for the 1988 International Standard Classification of Occupations. *Social Science Research*, 25(3), 201-239. <https://doi.org/10.1006/ssre.1996.0010>.
- Ganzeboom, H. B. G., De Graaf, P. M., & Treiman, D. J. (1992). A standard international socio-economic index of occupational status. *Social Science Research*, 21(1), 1-56. [https://doi.org/10.1016/0049-089X\(92\)90017-B](https://doi.org/10.1016/0049-089X(92)90017-B).
- Gerth, H. H. & Mills, C. W. (Trans. and eds.) (1946). *From Max Weber: Essays in sociology*. Oxford University Press. <https://fssh.rjt.ac.lk/wp-content/uploads/2023/09/From-Max-Weber-Essays-in-Sociology-PDFDrive-.pdf>.
- Habermas, J. (1990). *Citizenship and national identity* (pp. 491-515). Cambridge, MA: MIT Press. <https://books.google.com/books?hl=fa&lr=&id=KXhfAgAAQBAJ&oi=fnd&pg=PA170&dq=->
- (1996). Between facts and norms: Contributions to a discourse theory of law and democracy. *Polity Press*. <https://doi.org/10.7551/mitpress/1564.001.0001>.
- Hauser, R. M. & Warren, J. R. (1997). Socioeconomic indexes for occupations: A review, update, and critique. *Sociological Methodology*, 27(1), 177-298. <https://doi.org/10.1111/1467-9531.271028>.
- Hechter, M. (1987). Principles of group solidarity. *University of California Press*. <https://doi.org/10.1080/01419870.1987.9993580>.

- , (2004). From class to culture. *American Journal of Sociology*, 110(2), 400–445. <https://doi.org/10.1086/421357>.
- Héthy, L. & Makó, Cs. (1978). *Munkások, érdekek, érdekegyeztetés*. [Workers, Interests, Interest Reconciliation]. Gondolat Kiadó.
- Jafari, A., & Batebi, S. (2015). Citizen and citizenship rights. *Cumhuriyet Üniversitesi Fen Edebiyat Fakültesi Fen Bilimleri Dergisi*, 36(3), 4083–4092.
- Kroll, T. & Neri, M. (2009). Designs for mixed methods research. *Mixed methods research for nursing and the health sciences*, 31–49. <https://doi.org/10.1002/9781444316490>.
- Liu, Y., Cao, L., Yang, D., & Anderson, B. C. (2022). How social capital influences community resilience management development. *Environmental Science & Policy*, 136, 642–651. <https://doi.org/10.1016/j.envsci.2022.07.028>.
- Mann, M. (1986). The sources of social power. Volume I: A history of power from the beginning to A. D. 1760. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511570896>.
- Martin, J. L. (2009). Formation and stabilization of vertical hierarchies among adolescents: Towards a quantitative ethology of dominance among humans. *Social Psychology Quarterly*, 72(3), 241–264. <https://doi.org/10.1177/019027250907200307>.
- Marx, K. (1972). *The eighteenth Brumaire of Louis Bonaparte*. Progress Publishers. <https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=&ved=2ahUKEwjw0M7NpeuNAXXAUQEAHd->
- Marx, K. & Engels, F. (1998). *The German ideology*. Prometheus Books. <https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=&ved=2ah>
- Menge, T. (2018). The role of power in social explanation. *European Journal of Social Theory*, 21(1), 22–38. <https://doi.org/10.1177/1368431017714426>.
- Mills, C. W. (2000). *The power elite*. Oxford University Press. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9780429499821-16/power-elite-wright-mills>.
- Molm, L. D. (1997). *Coercive power in social exchange*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511570919>.
- Pansardi, P. (2012). Power to and power over: Two distinct concepts of power?. *Journal of Political Power*, 5(1), 73–89. <http://dx.doi.org/10.1080/2158379X.2012.658278>.
- Parsons, T. (1951). *The social system*. Free Press. <https://voidnetwork.gr/wp-content/uploads/2016/10/The-Social-System-by-Talcott-Parsons.pdf>.
- Peluso, A., Tuccillo, J., Sparks, K., Kapadia, A., & Hanson, H. A. (2024). Spatial analysis of social capital and community heterogeneity at the United States county level. *Applied Geography*, 162, 103168. <https://doi.org/10.1016/j.apgeog.2023.103168>.
- Poulantzas, N. (1975). *Classes in contemporary capitalism*. New Left Books. <https://books.google.com/books?hl=fa&lr=&id=c3DnDwAAQBAJ&oi=fnd&pg=P>
- , (1976). *Political power and social classes*. 3rd ed. NLB. <https://www.ssc.wisc.edu/soc/faculty/pages/wright/Soc924-2011/Poulantzas.pdf>.
- Ridgeway, C. L. (2014). Why status matters for inequality. *American Sociological Review*, 79(1), 1–16. <https://doi.org/10.1177/0003122413515997>.
- Scott, J. (1992). *Who rules Britain?*. Polity Press. <https://www.abebooks.co.uk/9780745605630/Who-Rules-Britain-John-Scott-074560563X/plp>.
- , (1996). *Stratification and power: Structures of class, status and command*. Polity Press. <https://www.amazon.com/Stratification-Power-Structures-Status-Command/dp/0745610412>.
- , (2002). Social class and stratification in late modernity. *Acta Sociologica*, 45(1), 23–35. <https://doi.org/10.1177/000169930204500103>.
- , (2008). Modes of power and the re-conceptualization of elites. *The Sociological Review*, 56(1_suppl), 25–43. <https://doi.org/10.1111/j.1467-954X.2008.00760.x>.
- Waters, T. & Waters, D. (2015). The distribution of power within the gemeinschaft: Classes, stände, parties. In *Weber's rationalism and modern society: New translations on politics, bureaucracy, and social stratification* (pp. 37–58). New York: Palgrave Macmillan US. https://link.springer.com/chapter/10.1057/9781137365866_4.
- Weber, M. (1978). *Economy and society. An outline of interpretive sociology*. Volume I-II. (Eds.: G. Roth & C. Wittich). University of California Press. <https://archive.org/details/MaxWeberEconomyAndSociety>.
- Wegener, B. (1992). Concepts and measurement of prestige. *Annual Review of Sociology*, 18(1), 253–280. <https://doi.org/10.1146/annurev.so.18.080192.001345>.
- Wright (Ed.). *Approaches to class analysis* (pp. 4–30). Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511488900.002>.

- Wright, E. O. (1979). *Class structure and income determination*. Academic Press. <https://www.sccc.wisc.edu/soc/faculty/pages/wright/Published%20writing/Class%20Strucutre%20and%20Income%20Determination-text.pdf>.
- (1980). Varieties of Marxist conceptions of class structure. *Politics and Society*, 9(3), 323–370. <http://dx.doi.org/10.1177/003232928000900303>.
- (1989). *A General framework for the analysis of class structure*. In E. O. Wright (Ed.), *The debate on classes* (pp. 3–43). Verso. <https://www.sccc.wisc.edu/soc/faculty/pages/wright/Published%20writing/DOC-1.pdf>.
- (1997). *Class counts: Comparative studies in class analysis*. Cambridge University Press. <https://www.cambridge.org/us/universitypress/subjects/sociology/social-theory/class-counts-comparative-studies-class-analysis>.
- (2000). Working-class power, capitalist-class interests, and class compromise. *American Journal of Sociology*, 105(4), 957–1002. <https://doi.org/10.1086/210397> <http://dx.doi.org/10.1086/210397>.
- (2005). Foundations of a neo-Marxist class analysis. In E. O.
- (2009). Understanding class. Towards an integrated analytical approach. *New Left Review*, Nov-Dec.: 101–116.
- (2016). Is the precariat a class?. *Global Labour Journal*, 7(2), 123–135. <https://doi.org/10.15173/glj.v7i2.2583>.